

Islamic Education and Nuclear Technology: Legal Challenges and Capacities

Authors		Organizational Affiliation
Behrooz Mir Alizadeh		Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Ardabil, Iran
Article Information		Abstract
Article Type	Research	<p>In the era of rapid development of new technologies, especially in areas such as nuclear energy, the Islamic education system is faced with fundamental questions about how to deal with these developments and educate the future generation. This research aims to explain the relationship between Islamic education and strategic technologies, especially nuclear energy, and to analyze the jurisprudential and legal capacities available in the Islamic Republic of Iran to realize a local and multi-level model of technological education. The research method in this study is qualitative and based on documentary, comparative, inferential and future-oriented analysis. By utilizing jurisprudential sources, national educational documents, child rights laws, as well as field findings from nuclear education policies, an attempt has been made to present a comprehensive picture of capacities, challenges, limitations, opportunities and possible solutions. The research findings show that jurisprudence has the ability to legitimize new technologies and Islamic education can provide a platform for educating technologically literate, ethical, and committed citizens. At the same time, challenges such as the lack of technological literacy in religious education, conceptual conflicts with some risky technologies, policy gaps, infrastructural inefficiency, and institutional incoherence in children's nuclear education reveal the need to redesign educational policies. As a result, designing an indigenous model for Islamic nuclear education requires the integration of religious wisdom, professional ethics, cultural foresight, and civilization-building expediency in educational, research, and cultural policies.</p>
Pages	16 - 29	
Volume 2, Issue 2		
Corresponding Author's Info		
Corresponding Author's	Behrooz Mir Alizadeh	
ORCID	0000-0000-0000-0000	
Tell	09149534045	
Email	behroz.arman.88@gmail.com	
Article History		
Received	2025/06/04	
Revised	2025/06/20	
Accepted	2025/07/06	
Published Online	2025/07/25	
Research Method	Descriptive Analytical	
Keywords	<i>Islamic education, new technologies, nuclear energy, children's rights, nuclear education</i>	
Description		
<i>All rights to this article belong to the authors.</i>		
<i>Readers of this magazine are permitted to distribute, recombine, and modify the material with due acknowledgement of the source.</i>		
How to Cite This Article	Mir Alizadeh, Behrooz (2025), " <i>Islamic Education and Nuclear Technology: Legal Challenges and Capacities</i> ", Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies in Islamic Law & Education, Volume 2, Issue 2, (Fourth Consecutive Issue), Pages 16 – 29	

۱- مقدمه

در جهان پرتلاطم امروز که فناوری‌های نوین، به‌ویژه فناوری‌های دوگانه‌ای چون انرژی هسته‌ای، مرزهای سنتی معرفت، اخلاق و حاکمیت را دگرگون ساخته‌اند، بازاندیشی در نسبت میان تربیت اسلامی، فناوری و حاکمیت ضرورتی راهبردی و تمدن‌ساز است؛ چرا که تحولات فناورانه نه تنها سبک زندگی و الگوهای دانایی را متحول کرده‌اند، بلکه نظام‌های حقوقی و تربیتی را نیز با چالش‌هایی بنیادین مواجه ساخته‌اند (لطیفی، ۱۴۰۲: ۳۲). در این میان، تربیت اسلامی به‌عنوان نظامی مبتنی بر عقلانیت، اخلاق و معنویت، نمی‌تواند نسبت خود را با فناوری‌های نوین نادیده بگیرد، بلکه باید با تکیه بر آموزه‌های وحیانی و ظرفیت‌های فقهی-حقوقی، نقش خود را در هدایت اخلاقی و تمدنی این تحولات ایفا کند (حمیدی‌فر، ۱۴۰۳: ۷۸). از سوی دیگر، فناوری هسته‌ای به‌عنوان یکی از مصادیق بارز فناوری‌های راهبردی، بستری است که در آن می‌توان نسبت میان تربیت اسلامی، اخلاق فناوری و حاکمیت حقوقی را به‌صورت عینی و کاربردی مورد تحلیل قرار داد؛ به‌ویژه آن‌گاه که این فناوری در معرض سوءاستفاده‌های نظامی، تهدیدهای زیست‌محیطی و چالش‌های حقوق بشری قرار می‌گیرد (موسوی‌فرد و همکاران، ۱۴۰۴: ۵۸).

از این منظر، پژوهش حاضر با هدف تبیین ظرفیت‌های تربیت اسلامی در مواجهه با فناوری‌های نو، به‌ویژه فناوری هسته‌ای، در پی پاسخ به این پرسش بنیادین است که: چگونه می‌توان از آموزه‌های تربیتی اسلام برای مواجهه‌ای اخلاق‌محور، حقوق‌مدار و تمدن‌ساز با تحولات فناورانه بهره گرفت؟ در همین راستا، اهداف پژوهش عبارت‌اند از: تبیین نسبت میان تربیت اسلامی، فناوری و حاکمیت در بستر تحولات نوین؛ تحلیل چالش‌های حقوقی-تربیتی ناشی از فناوری‌های نو، با تأکید بر فناوری هسته‌ای؛ شناسایی ظرفیت‌های تربیتی و حقوقی در آموزه‌های اسلامی برای مواجهه با این تحولات؛ و ارائه پیشنهادهایی برای هم‌افزایی میان نظام تربیتی اسلامی و سیاست‌گذاری‌های فناورانه.

۲- پیشینه پژوهش

در این بخش، با هدف روشن‌ساختن جایگاه نظری پژوهش حاضر، به واکاوی و تحلیل دستاوردهای علمی پیشین در حوزه نسبت تربیت اسلامی و فناوری‌های نوین پرداخته می‌شود تا ضمن بهره‌گیری از تجارب گذشته، خلأهای موجود و افق‌های نو برای پژوهش حاضر نمایان گردد. شفیع (۱۴۰۴)، در پژوهش خود با عنوان «تحول رویکردهای تربیتی اسلامی در پرتو فناوری‌های نوین آموزشی» چنین بیان داشته است که فناوری‌های نو، به‌ویژه آموزش مجازی، هوش مصنوعی و واقعیت مجازی، فرصت‌هایی برای بازتعریف روش‌های تربیت اسلامی فراهم کرده‌اند. وی تأکید می‌کند که بهره‌گیری آگاهانه از این فناوری‌ها می‌تواند به تحقق تربیت اخلاق‌محور و هوشمند منجر شود، مشروط بر آن‌که اصول فطرت‌محور اسلام در طراحی محیط‌های یادگیری لحاظ شود.

ادیب و همکاران (۱۳۹۵)، در پژوهش خود با عنوان «ارزیابی میزان توجه به سواد فناورانه در آموزش و پرورش عمومی» نشان داده‌اند که محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی و متوسطه، در انتقال مفاهیم فناورانه بسیار ضعیف عمل کرده‌اند. آن‌ها نتیجه می‌گیرند که نبود آموزش فناورانه ساختارمند، مانعی جدی در مسیر تربیت شهروند فناور و متعهد در نظام اسلامی است.

قربانی (۱۴۰۳)، در رساله دکتری خود با عنوان «طراحی و اعتباریابی الگوی یادگیری مبتنی بر تربیت فناورانه و تأثیر آن بر سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی دانش‌جومعلم» به این نتیجه رسیده است که تربیت فناورانه می‌تواند به‌طور معناداری سواد اطلاعاتی و اخلاق رسانه‌ای را در معلمان آینده ارتقا دهد. وی تأکید می‌کند که این الگو باید بر مبنای ارزش‌های اسلامی و با در نظر گرفتن ملاحظات تربیتی طراحی شود.

نوری چراغ‌تپه و همکاران (۱۳۹۳)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی فرصت‌ها و چالش‌های کاربرد فناوری بر تربیت دینی» به این نتیجه رسیده‌اند که فناوری‌های نو، در عین حال که می‌توانند ابزارهای مؤثری برای آموزش دینی باشند، در صورت نبود چارچوب اخلاقی و تربیتی، ممکن است به تضعیف هویت دینی و گسترش نسبی‌گرایی ارزشی منجر شوند.

بیگی و تیموری (۱۳۹۹)، در پژوهش خود با عنوان «آموزش کودکان و نوجوانان محروم از آزادی و چالش‌های فراروی آن در حقوق ایران» به چالش‌های حقوقی آموزش مفاهیم حساس به کودکان پرداخته‌اند. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد که نبود چارچوب‌های قانونی مشخص برای آموزش‌های فناورانه به کودکان، می‌تواند منجر به نقض حقوق کودک و آسیب‌های روانی شود؛ موضوعی که در آموزش هسته‌ای نیز مصداق دارد. **داد و همکاران (۱۴۰۳)**، در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل شاخصه‌های تحقق عدالت آموزشی و تربیتی از دیدگاه مقام معظم رهبری» تأکید کرده‌اند که عدالت آموزشی، مستلزم توزیع متوازن فرصت‌های فناورانه در سراسر کشور است. آن‌ها نتیجه می‌گیرند که بدون تحقق عدالت فناورانه، تربیت اسلامی در حوزه‌های راهبردی مانند انرژی هسته‌ای، به‌صورت نابرابر و ناکارآمد باقی خواهد ماند.

نورانی و همکاران (۱۴۰۳)، در مقاله‌ای با عنوان «طراحی الگوی سواد رسانه‌ای در نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران» به این نتیجه رسیده‌اند که سواد رسانه‌ای و فناورانه باید در چارچوب اسناد تحولی و با مشارکت نهادهای دینی و فرهنگی طراحی شود. آن‌ها تأکید می‌کنند که بدون نهادسازی قانونی و تربیت مربیان متعهد، امکان تحقق تربیت فناورانه اسلامی وجود نخواهد داشت. پژوهش حاضر با وجود اشتراک مفهومی با برخی مطالعات پیشین، از نظر رویکرد، دامنه و هدف‌گذاری، تفاوت‌های قابل توجهی دارد. بر خلاف پژوهش‌هایی که صرفاً به یکی از ابعاد تربیت، فناوری یا حقوق کودک پرداخته‌اند، این تحقیق با نگاهی جامع و میان‌رشته‌ای، به تبیین نسبت تربیت اسلامی با فناوری‌های پرخطر و طراحی الگویی بومی برای تربیت هسته‌ای پرداخته است. نوآوری اصلی پژوهش، تلفیق اصول فقهی، ملاحظات تربیتی و سیاست‌گذاری تمدن‌محور در قالب یک چارچوب اجرایی است که قابلیت پیاده‌سازی در نهادهای آموزشی و فرهنگی را داراست.

۳- مفهوم‌شناسی

در این بخش، با هدف تبیین دقیق چارچوب نظری پژوهش، به واکاوی مفهومی کلیدواژه‌های بنیادین مانند «تربیت اسلامی»، «فناوری‌های راهبردی»، «سواد فناورانه»، و «تربیت هسته‌ای» خواهیم پرداخت تا زمینه‌ای روشن برای تحلیل‌های نظری و سیاستی بخش‌های بعدی فراهم گردد.

۳-۱- «تربیت اسلامی» در منابع فقهی و تربیتی

تربیت اسلامی در منابع فقهی و تربیتی، فرآیندی همه‌جانبه و مستمر تعریف می‌شود که هدف آن، پرورش انسان در تمام ابعاد وجودی‌اش بر اساس آموزه‌های وحیانی، عقلانی و اخلاقی اسلام است؛ فرآیندی که از لحظه تولد آغاز شده و تا پایان عمر ادامه می‌یابد و تمامی ساحت‌های وجودی انسان اعم از عقل، قلب، اراده، رفتار و روابط اجتماعی را در بر می‌گیرد (**جوادی آملی، ۱۴۰۱: ۹۳**). در این نگاه، تربیت نه صرفاً انتقال دانش یا مهارت، بلکه هدایت انسان به سوی کمال، عبودیت و تحقق خلافت الهی در زمین است (**طباطبایی، ۱۴۰۰: ۳**). از منظر فقهی، تربیت اسلامی واجد احکام خاصی است که رفتارهای اختیاری مربی و متربی را در چارچوب یکی از احکام پنج‌گانه (وجوب، حرمت، استحباب، کراهت، اباحه) قرار می‌دهد و بر اساس ادله شرعی، حکم هر کنش تربیتی را استنباط می‌کند (**اعرافی، ۱۳۹۳: ۵۲**). به بیان دیگر، فقه تربیتی دانشی است که به تنظیم، تحلیل و استنباط احکام شرعی در حوزه تعلیم و تربیت می‌پردازد و تلاش می‌کند تا نظام تربیتی اسلام را در قالبی منسجم و قابل اجرا ارائه دهد. در منابع تربیتی نیز، تربیت اسلامی بر اصولی چون خدامحوری، عقل‌گرایی، اخلاق‌مداری، محبت‌محوری، آخرت‌اندیشی و اعتدال‌گرایی استوار است که همگی ریشه در قرآن، سنت و عقل دارند و چارچوبی برای انتخاب اهداف، روش‌ها و محتوای تربیتی فراهم می‌سازند (**باقری، ۱۴۰۲: ۶۸**).

۳-۲- فناوری های راهبردی با تمرکز بر انرژی هسته ای

فناوری های راهبردی به آن دسته از فناوری ها اطلاق می شود که نقشی حیاتی در تأمین منافع ملی، امنیت پایدار، استقلال علمی-اقتصادی و ارتقای جایگاه ژئوپلیتیکی کشورها ایفا می کنند. این فناوری ها معمولاً دارای ویژگی هایی چون پیچیدگی فنی بالا، هزینه بر بودن، وابستگی اندک به منابع خارجی، و قابلیت کاربرد دوگانه (صلح آمیز و نظامی) هستند (رجبی، ۱۴۰۴: ۲۱). در این میان، فناوری هسته ای یکی از برجسته ترین مصادیق فناوری های راهبردی به شمار می رود؛ چرا که علاوه بر تولید انرژی پاک و پایدار، در حوزه هایی چون پزشکی، کشاورزی، صنعت، و حتی دفاع ملی کاربرد دارد و از این رو، برخورداری از آن به منزله ی قدرت فناورانه و اقتدار ملی تلقی می شود. از منظر حقوقی و تربیتی، فناوری هسته ای به دلیل ماهیت حساس و پیامدهای بالقوه اش، نیازمند چارچوب های دقیق اخلاقی، تربیتی و حقوقی است. تربیت شهروندانی آگاه، مسئول و اخلاق مدار در قبال این فناوری، یکی از الزامات تمدن سازی در عصر فناوری های راهبردی است؛ به ویژه در کشورهایی چون ایران که دستیابی به چرخه کامل سوخت هسته ای را به عنوان نماد استقلال علمی دنبال می کنند (طلیسی، ۱۴۰۴: ۳). از این منظر، انرژی هسته ای نه تنها یک فناوری، بلکه یک مسئله تمدنی است که در آن، تربیت اسلامی، سیاست گذاری حقوقی و حکمرانی فناورانه به هم گره می خورند.

۳-۳- مصلحت، امنیت، رشد و عدالت در بستر فناوری نو

در عصر فناوری های نوین، مفاهیمی چون مصلحت عمومی، امنیت ملی، رشد پایدار و عدالت اجتماعی دیگر نمی توانند در خلأ سیاست گذاری های فناورانه تحلیل شوند، بلکه باید در بستر تحولات دیجیتال، هوش مصنوعی، انرژی های نو و فناوری های راهبردی بازخوانی شوند. از منظر مصلحت، بهره گیری از فناوری های نو می تواند به ارتقای کارآمدی حکمرانی، کاهش هزینه های عمومی و افزایش شفافیت منجر شود؛ مشروط بر آن که با اصول اخلاقی و ارزش های فرهنگی جامعه هم راستا باشد (امیدی، ۱۴۰۴: ۲). در حوزه امنیت، فناوری های نوظهور همچون هوش مصنوعی، بلاک چین و انرژی هسته ای، هم فرصت هایی برای تقویت قدرت ملی فراهم می کنند و هم تهدیدهایی برای حریم خصوصی، استقلال سایبری و امنیت زیستی ایجاد می نمایند؛ از این رو، تربیت شهروند فناور آگاه و تدوین چارچوب های حقوقی هوشمندانه، ضرورتی انکارناپذیر است (بابایی، ۱۳۹۹: ۴). در بُعد رشد، فناوری های نو می توانند موتور محرک توسعه پایدار، اشتغال دانش بنیان و اقتصاد مقاومتی باشند، به ویژه اگر با سرمایه انسانی تربیت یافته و نظام آموزشی تحول گرا همراه شوند (رجبی، ۱۴۰۴: ۲۳). و در نهایت، عدالت در بستر فناوری، مفهومی نوپدید است که به عدالت دیجیتال، دسترسی برابر به خدمات فناورانه و کاهش شکاف های اطلاعاتی و طبقاتی اشاره دارد؛ مفهومی که تنها در سایه تربیت اخلاق محور، حکمرانی داده محور و سیاست گذاری مشارکتی قابل تحقق است (غیاثوند، ۱۳۹۹: ۵).

۳-۴- تربیت هسته ای

تربیت هسته ای به مجموعه ای از فرآیندهای آموزشی، تربیتی و فرهنگی اطلاق می شود که با هدف پرورش نسلی آگاه، مسئول، و متعهد به بهره برداری صلح آمیز از فناوری هسته ای طراحی می گردد؛ نسلی که ضمن درک مفاهیم علمی و فنی این حوزه، به اصول اخلاقی، امنیتی و ارزشی آن نیز پایبند باشد. این نوع تربیت، در پاسخ به ضرورت های راهبردی عصر دانایی محور و نیاز کشور به استقلال علمی و فناورانه، به ویژه در حوزه انرژی هسته ای، شکل گرفته است (قربانی، ۱۴۰۳: ۲۱). تربیت هسته ای، تلفیقی از سواد فناورانه، تربیت اخلاقی، و مسئولیت پذیری اجتماعی است که در بستر آموزش رسمی، غیررسمی و رسانه ای تحقق می یابد. با این حال، چالش هایی چون فقر زیرساخت های آموزشی، نبود چارچوب های حقوقی مشخص، و تضادهای احتمالی با تربیت سنتی، تحقق این نوع تربیت را با موانعی مواجه ساخته اند. از این منظر، تربیت هسته ای نه صرفاً آموزش فناوری، بلکه فرآیندی تمدن ساز است که در آن، علم، اخلاق و هویت ملی در هم تنیده می شوند تا شهروندانی تربیت شوند که بتوانند در مسیر توسعه پایدار، عدالت فناورانه و صلح جهانی نقش آفرینی کنند.

۴- مبانی فقهی و تربیتی کاربرد فناوری در تربیت اجتماعی

در این بخش از پژوهش، تمرکز بر سه محور کلیدی است که نقش تربیت اسلامی و فقه امامیه را در حکمرانی علمی و فناورانه تبیین می‌کنند. نخست، به کارکرد تربیت اسلامی در تقویت استقلال علمی و فناورانه پرداخته خواهد شد؛ جایی که تربیت مبتنی بر عقلانیت، خودباوری و مجاهدت علمی، زمینه‌ساز پرورش نسلی می‌شود که وابستگی علمی را بر نمی‌تابد و در مسیر تولید علم بومی گام برمی‌دارد. دوم، ظرفیت‌های فقه امامیه در مشروع‌سازی فناوری‌های نو بررسی می‌شود؛ به‌ویژه از منظر قواعدی چون قاعده لاضرر و سیره عقلاء که امکان پذیرش فناوری‌های نو را در چارچوب شریعت فراهم می‌سازند. سوم، به رابطه فقه‌التربیه با امنیت علمی پرداخته خواهد شد؛ یعنی چگونگی نقش تربیت دینی در صیانت از مرزهای دانایی، مقابله با نفوذ علمی بیگانه، و تقویت حکمرانی دانایی‌محور در نظام اسلامی. این سه محور، در کنار یکدیگر، تصویری جامع از پیوند میان تربیت، فقه و فناوری در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی ارائه می‌دهند.

۴-۱- کارکرد تربیت اسلامی در تقویت استقلال علمی-فناورانه

تربیت اسلامی، با تکیه بر آموزه‌های عقلانی، اخلاقی و توحیدی، نقشی بنیادین در تقویت استقلال علمی و فناورانه ایفا می‌کند؛ چرا که این نوع تربیت، انسان را به‌عنوان خلیفه‌الله، مسئول آبادانی زمین و تولید دانش نافع معرفی می‌کند (جوادی آملی، ۱۴۰۱: ۹۳). در این چارچوب، تربیت اسلامی نه تنها به انتقال دانش بسنده نمی‌کند، بلکه با پرورش روحیه‌ی خودباوری، مجاهدت علمی، و مسئولیت‌پذیری تمدنی، زمینه‌ساز شکل‌گیری نسلی می‌شود که وابستگی علمی را بر نمی‌تابد و در مسیر تولید علم بومی و فناوری‌های راهبردی گام برمی‌دارد (کلانتری، ۱۴۰۳: ۲۱). از منظر فقهی نیز، استقلال علمی به‌عنوان یک مصلحت عالی، مورد تأکید قرار گرفته و در قالب قواعدی چون «نفی سبیل»، «لزوم حفظ کیان امت اسلامی» و «حرمت تقلید از کفار در امور حیاتی» مشروعیت می‌یابد (اعرافی، ۱۳۹۵: ۱۲۰). در این میان، فناوری‌های نوینی چون انرژی هسته‌ای، هوش مصنوعی و زیست‌فناوری، تنها در صورتی می‌توانند به اقتدار ملی منجر شوند که در بستر تربیتی‌ای رشد یابند که علم را با اخلاق، فناوری را با حکمت، و پیشرفت را با عدالت پیوند دهد (رجبی، ۱۴۰۴: ۲۳). از این منظر، تربیت اسلامی نه فقط یک نظام آموزشی، بلکه یک راهبرد تمدنی برای تحقق استقلال علمی-فناورانه در جهان اسلام است.

۴-۲- ظرفیت‌های فقه امامیه در مشروع‌سازی فناوری‌های نو

فقه امامیه، به‌عنوان نظامی پویا و اجتهادی، از ظرفیت‌های گسترده‌ای برای مشروع‌سازی فناوری‌های نو برخوردار است؛ چرا که با تکیه بر اصولی چون اصالة الإباحة، سیره عقلاء، قاعده لاضرر و قاعده نفی حرج، امکان پذیرش موضوعات مستحدثه را در چارچوب شریعت فراهم می‌سازد (فانج و تقی‌پور، ۱۴۰۱: ۱۲۰). این فقه، با بهره‌گیری از عنصر زمان و مکان در فرآیند اجتهاد، قادر است نسبت به فناوری‌هایی چون هوش مصنوعی، انرژی هسته‌ای، بلاک‌چین و زیست‌فناوری، احکام متناسب با اقتضات روز را استنباط کند؛ به‌ویژه آن‌گاه که این فناوری‌ها در خدمت مصالح عالی امت اسلامی قرار گیرند (طباطبایی و امینی، ۱۴۰۴: ۹). افزون بر این، فقه امامیه با پذیرش نهادهای اعتباری نوین در حوزه حقوق خصوصی و عمومی، نشان داده است که می‌تواند با حفظ اصول شریعت، به‌گونه‌ای انعطاف‌پذیر با تحولات فناورانه مواجه شود و از آن‌ها در راستای تحقق عدالت، امنیت و رشد اجتماعی بهره‌گیرد (کازم‌ی و کاکاوند، ۱۴۰۲: ۱۹۵). از این منظر، فقه امامیه نه تنها مانعی در برابر نوآوری نیست، بلکه با رویکردی تمدن‌ساز، می‌تواند بستر مشروعیت‌بخشی به فناوری‌های نو را در نظام حقوقی اسلامی فراهم آورد.

۴-۳- رابطه فقه‌التربیه با امنیت علمی

فقه‌التربیه، به‌عنوان شاخه‌ای نوپدید از فقه امامیه که به استنباط احکام تربیتی در پرتو منابع شرعی می‌پردازد، می‌تواند نقش مهمی در تأمین و تقویت امنیت علمی ایفا کند؛ چرا که امنیت علمی، صرفاً به معنای حفاظت فیزیکی از مراکز علمی یا مقابله با نفوذ اطلاعاتی نیست، بلکه به معنای

صیانت از هویت دانشی، استقلال فکری، و سلامت معرفتی جامعه اسلامی است (نیاتیان، ۱۳۹۲: ۷۲). در این چارچوب، فقه‌التربیه با تأکید بر اصولی چون «لزوم تحصیل علم نافع»، «حرمت تقلید از کفار در حوزه‌های حیاتی»، و «وجوب صیانت از عقل و دین» می‌تواند چارچوبی برای تربیت نسلی فراهم آورد که در برابر نفوذ معرفتی بیگانه مقاوم، و در مسیر تولید علم بومی و تمدن‌ساز فعال باشد (مهروی، ۱۴۰۱: ۹۵). افزون بر این، فقه‌التربیه با تکیه بر قاعده «نفی سبیل» و اصل «حفظ کیان امت اسلامی»، می‌تواند مبنای مشروعیت‌بخشی به سیاست‌های تربیتی‌ای باشد که هدف آن، تقویت حکمرانی دانایی‌محور و صیانت از مرزهای علمی کشور است (نجفی و بخشی، ۱۴۰۲: ۴۲). از این منظر، رابطه فقه‌التربیه با امنیت علمی، رابطه‌ای دوسویه و تمدن‌ساز است که در آن، تربیت دینی نه تنها حافظ امنیت علمی، بلکه موتور محرک آن خواهد بود.

۵- ظرفیت‌ها و فرصت‌های حقوقی برای تربیت هسته‌ای

در این بخش از پژوهش، تمرکز بر ظرفیت‌های حقوقی موجود در نظام جمهوری اسلامی ایران برای تربیت هسته‌ای است؛ تربیتی که هدف آن، پرورش نسلی آگاه، مسئول و توانمند در بهره‌گیری صلح‌آمیز از فناوری‌های راهبردی، به‌ویژه انرژی هسته‌ای است. نخست، به جایگاه حقوق کودک و آموزش در قوانین ایران پرداخته خواهد شد؛ جایی که اصولی چون اصل ۳۰ قانون اساسی، سند ملی حقوق کودک و کنوانسیون‌های بین‌المللی، بر حق آموزش رایگان، متوازن و متناسب با نیازهای آینده‌محور کودکان تأکید دارند. دوم، نقش نهادهای قانونی در توسعه دانش هسته‌ای بررسی می‌شود؛ از جمله وزارت آموزش و پرورش، سازمان انرژی اتمی، و نهادهای قانون‌گذار که در قالب برنامه‌های درسی، هنرستان‌های تخصصی، و عدالت فناورانه، زمینه‌ساز تربیت نیروی انسانی متخصص و متعهد هستند. در نهایت، تحلیل حقوق تربیتی در اسناد ملی همچون سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، اساسنامه‌های آموزشی و نقشه مهندسی فرهنگی کشور، نشان خواهد داد که چگونه اصولی چون عدالت تربیتی، تربیت تمدن‌ساز و آموزش مبتنی بر نیازهای راهبردی، می‌توانند بستر حقوقی مناسبی برای تربیت هسته‌ای فراهم آورند.

۵-۱- جایگاه حقوق کودک و آموزش در قوانین ایران

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، حق آموزش و تربیت کودکان به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین بشری، جایگاهی رفیع و چندلایه دارد؛ جایگاهی که هم در قانون اساسی و هم در اسناد ملی و بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته است. اصل ۳۰ قانون اساسی، دولت را موظف می‌داند که وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد؛ اصلی که به‌ویژه در مورد کودکان، به‌منزله‌ی تضمین حق دسترسی برابر به آموزش با کیفیت تلقی می‌شود (کاشی کمیجانی و رجائی، ۱۴۰۳: ۲۱). افزون بر آن، سند ملی حقوق کودک و نوجوان، مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی، با تأکید بر آموزه‌های اسلامی، بر ضرورت تربیت همه‌جانبه‌ی کودکان در ابعاد علمی، اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی تأکید کرده و دولت را مکلف به فراهم‌سازی زیرساخت‌های لازم برای تحقق این حق دانسته است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۰: ماده ۲). همچنین، پیوستن ایران به کنوانسیون حقوق کودک در سال ۱۳۷۲، هرچند با حق شرط، نشان‌دهنده‌ی تعهد بین‌المللی کشور به اصولی چون آموزش رایگان، عدم تبعیض، و تربیت مبتنی بر کرامت انسانی است (اسدی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۴). از این منظر، حق آموزش کودکان در ایران نه تنها یک حق فردی، بلکه یک مسئولیت حاکمیتی است که در پیوند با عدالت اجتماعی، امنیت فرهنگی و توسعه پایدار معنا می‌یابد.

۵-۲- نهادهای قانونی در توسعه دانش هسته‌ای (آموزش و عدالت فناورانه)

در نظام جمهوری اسلامی ایران، توسعه دانش هسته‌ای نه تنها یک پروژه علمی، بلکه بخشی از راهبرد کلان عدالت فناورانه و تربیت تمدن‌ساز تلقی می‌شود؛ راهبردی که نهادهای قانونی متعددی در تحقق آن نقش ایفا می‌کنند. وزارت آموزش و پرورش با استناد به سند تحول بنیادین، مأمور به تربیت نسلی فناورآگاه و متعهد به ارزش‌های اسلامی است و از طریق توسعه هنرستان‌های فنی-هسته‌ای، آموزش‌های مهارتی و اردوهای علمی، بستر تربیت نیروی انسانی متخصص را فراهم می‌سازد (داوودآبادی، ۱۴۰۳: ماده ۸۹). سازمان انرژی اتمی ایران نیز با همکاری نهادهای

آموزشی، در قالب برنامه‌هایی چون «مدرسه هسته‌ای»، «جشنواره دانش‌آموزی انرژی صلح‌آمیز» و «طرح آشنایی با فناوری هسته‌ای در مدارس»، نقش فعالی در آموزش عمومی و ترویج عدالت فناوریانه ایفا کرده است. افزون بر این، قانون برنامه پنج‌ساله هفتم توسعه، با تأکید بر عدالت آموزشی و تربیتی، وزارتخانه‌ها را مکلف به توسعه زیرساخت‌های فناوریانه در مناطق محروم و ایجاد فرصت‌های برابر برای دسترسی به آموزش‌های راهبردی کرده است (داودآبادی، ۱۴۰۳: بند ث). از این منظر، نهادهای قانونی در ایران نه تنها در تولید دانش هسته‌ای، بلکه در تربیت عادلانه و فناوریانه نسل آینده نقش آفرین‌اند؛ نقشی که در پیوند با اسناد بالادستی، می‌تواند به تحقق حکمرانی دانایی‌محور منجر شود.

۵-۳- تحلیل حقوق تربیتی در اسناد ملی

در نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، اسناد ملی همچون سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، نقشه جامع علمی کشور و اساسنامه شورای عالی آموزش و پرورش، چارچوبی حقوقی برای تحقق تربیت اسلامی، عدالت آموزشی و توسعه متوازن فراهم ساخته‌اند. سند تحول بنیادین، با تأکید بر «تربیت تمام‌ساحتی» و «عدالت تربیتی»، دولت را مکلف به طراحی نظام آموزشی‌ای می‌داند که در آن، همه دانش‌آموزان صرف‌نظر از جنسیت، منطقه جغرافیایی یا طبقه اجتماعی، از فرصت‌های برابر برای رشد علمی، اخلاقی و فناوریانه برخوردار باشند (همتی، ۱۴۰۳: ۴۵). در این سند، ساحت‌هایی چون تربیت علمی-فناورانه، اجتماعی-سیاسی و اعتقادی-اخلاقی، به‌عنوان ابعاد مکمل تربیت اسلامی معرفی شده‌اند که باید در برنامه‌های درسی، تربیتی و نهادی نهادینه شوند (همتی، ۱۴۰۳: ۵۱). افزون بر آن، اساسنامه شورای عالی آموزش و پرورش، این شورا را مرجع سیاست‌گذاری کلان تربیتی معرفی کرده و بر لزوم انطباق سیاست‌های آموزشی با ارزش‌های اسلامی، نیازهای راهبردی کشور و تحولات فناوریانه تأکید دارد. همچنین، در نقشه جامع علمی کشور، بر پیوند میان آموزش، پژوهش و فناوری و ضرورت تربیت نیروی انسانی متعهد به استقلال علمی و عدالت دانایی‌محور تصریح شده است (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۴۰۰: بند ۳-۲). از این منظر، اسناد ملی ایران نه تنها چارچوبی حقوقی برای تربیت اسلامی فراهم می‌کنند، بلکه با تأکید بر عدالت، استقلال و تمدن‌سازی، بستر مناسبی برای تربیت هسته‌ای و حکمرانی دانایی‌محور فراهم آورده‌اند.

۶- چالش‌ها و نگرانی‌ها

در مسیر تحقق تربیت هسته‌ای مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، با چالش‌ها و نگرانی‌هایی مواجه هستیم که نادیده‌گرفتن آن‌ها می‌تواند به تضعیف اثربخشی سیاست‌های تربیتی و حقوقی منجر شود. نخست، فقر سواد فناوریانه در آموزش دینی یکی از موانع بنیادین است؛ چرا که بسیاری از نهادهای دینی هنوز در بهره‌گیری از فناوری‌های نو برای آموزش، ترویج و تربیت، دچار ضعف زیرساختی و مفهومی‌اند و این امر موجب شکاف میان نسل جدید و نظام تربیتی سنتی شده است. دوم، تضادهای احتمالی میان تربیت دینی و فناوری‌های پرخطر، به‌ویژه در حوزه‌هایی چون هوش مصنوعی، واقعیت مجازی و انرژی هسته‌ای، نگرانی‌هایی را در خصوص تضعیف مرجعیت اخلاقی، گسترش نسبی‌گرایی ارزشی و تضعیف هویت دینی ایجاد کرده است؛ به‌گونه‌ای که برخی مفاهیم بنیادین تربیت دینی در معرض ساخت‌زدایی و بازتعریف قرار گرفته‌اند. سوم، چالش‌های حقوقی در آموزش هسته‌ای کودکان و نوجوانان نیز قابل توجه است؛ از جمله نبود چارچوب‌های مشخص برای آموزش مفاهیم حساس فناوریانه به گروه‌های سنی پایین، نگرانی از نقض حقوق کودک، و فقدان سازوکارهای نظارتی برای تضمین امنیت روانی و تربیتی در فرآیند آموزش‌های تخصصی. این چالش‌ها، ضرورت بازنگری در سیاست‌گذاری‌های تربیتی و حقوقی را دوچندان می‌سازند.

۶-۱- فقر سواد فناوریانه در آموزش دینی

یکی از چالش‌های بنیادین نظام تربیت دینی در عصر حاضر، فقر سواد فناوریانه در میان مربیان، متون و ساختارهای آموزشی آن است؛ چالشی که موجب شکاف عمیق میان نسل دیجیتال و نهادهای دینی شده و کارآمدی تربیت اسلامی را در مواجهه با تحولات فناوریانه تضعیف کرده است. در

حالی که سواد فناورانه به عنوان ترکیبی از دانش، مهارت و نگرش نسبت به فناوری‌های نو، یکی از ارکان تربیت شهروند مسئول در عصر دیجیتال محسوب می‌شود (سراجی و خاوری، ۱۴۰۲: ۳۲)، بسیاری از نهادهای دینی هنوز فاقد زیرساخت‌های لازم برای بهره‌گیری از فناوری در آموزش، تبلیغ و تربیت‌اند. این ضعف، نه تنها در سطح ابزارهای آموزشی، بلکه در سطح مفهومی نیز مشهود است؛ به گونه‌ای که در متون درسی حوزه‌های علمیه و مدارس دینی، کمتر نشانی از تحلیل انتقادی فناوری، اخلاق دیجیتال یا تربیت رسانه‌ای دیده می‌شود (طباطبایی، ۱۴۰۳: ۵۸). افزون بر این، فاصله نسلی میان مریبان سنتی و متریبان دیجیتال‌زی، موجب شده است که زبان تربیت دینی برای نسل جدید، ناکارآمد و گاه بی‌معنا جلوه کند؛ پدیده‌ای که در ادبیات تربیتی از آن با عنوان «بی‌سوادی فناورانه نهادی» یاد می‌شود (امیدی، ۱۴۰۴: ۲). از این منظر، فقر سواد فناورانه در آموزش دینی، نه تنها یک ضعف آموزشی، بلکه یک تهدید تمدنی است که می‌تواند تربیت اسلامی را از عرصه حکمرانی دانایی محور حذف کند، مگر آن‌که با بازنگری در سیاست‌های آموزشی، بازتولید مفاهیم دینی در بستر فناوری، و توانمندسازی مریبان، این شکاف به فرصت تبدیل شود.

۶-۲- تضادهای احتمالی میان تربیت دینی و فناوری‌های پرخطر

در عصر فناوری‌های پرشتاب و پرخطر همچون هوش مصنوعی، واقعیت مجازی، زیست‌فناوری و انرژی هسته‌ای نظام تربیت دینی با چالش‌هایی بنیادین مواجه شده است که برخی از آن‌ها به سطحی از تضاد مفهومی و ارزشی میان آموزه‌های دینی و اقتضات فناوری‌های نو منجر شده‌اند. از یک سو، تربیت دینی بر اصولی چون خدامحوری، کرامت انسانی، اعتدال، و مسئولیت‌پذیری اخلاقی استوار است؛ در حالی که برخی فناوری‌های نو، با ترویج نسبی‌گرایی ارزشی، مصرف‌گرایی، و ساخت‌زدایی از مفاهیم سنتی، زمینه‌ی تضعیف مرجعیت اخلاقی و هویتی متریبان را فراهم می‌کنند (نوری چراغ‌تپه و همکاران، ۱۳۹۳: ۵). افزون بر این، فناوری‌هایی چون واقعیت مجازی و هوش مصنوعی، با بازتعریف مرزهای واقعیت، اختیار و هویت، ممکن است با آموزه‌های دینی درباره‌ی فطرت، مسئولیت و معاد در تعارض قرار گیرند (رسولی برقی و مستانه، ۱۳۹۷: ۳). همچنین، فناوری‌های پرخطر مانند انرژی هسته‌ای، در صورت فقدان تربیت اخلاقی و نظارت شرعی، می‌توانند به ابزارهایی برای سلطه، تخریب یا بی‌عدالتی بدل شوند؛ امری که با فلسفه‌ی تربیت دینی در تضاد است. از این منظر، تضاد میان تربیت دینی و فناوری‌های پرخطر، نه یک تقابل ذاتی، بلکه نتیجه‌ی غفلت از بازخوانی مفاهیم دینی در بستر فناوری و فقدان چارچوب‌های تربیتی-اخلاقی متناسب با تحولات نوین است. افزون بر این، غلبه‌ی رویکرد مهندسی صرف بر حوزه‌های فناورانه و نادیده‌نگاشتن ابعاد انسان‌شناختی و معنوی فناوری، موجب بروز شکاف معرفتی در نظام تربیتی شده است؛ شکافی که می‌تواند ایمان‌زدایی تدریجی از فرآیند آموزش را در پی داشته باشد. از همین رو، ایجاد پیوندی میان فلسفه فناوری و حکمت عملی اسلامی، ضرورتی استراتژیک برای بازآرایی منظومه تربیت دینی در عصر فناوری‌های پرمخاطره تلقی می‌شود.

۶-۳- چالش‌های حقوقی در آموزش هسته‌ای کودکان و نوجوانان

آموزش مفاهیم تخصصی و راهبردی مانند فناوری هسته‌ای به کودکان و نوجوانان، هرچند در راستای تربیت علمی-تمدنی نسل آینده ضروری به نظر می‌رسد، اما با چالش‌های حقوقی متعددی مواجه است که نادیده‌گرفتن آن‌ها می‌تواند به نقض حقوق کودک و آسیب‌های تربیتی منجر شود. نخست، نبود چارچوب‌های قانونی مشخص برای آموزش مفاهیم حساس فناورانه به گروه‌های سنی پایین، موجب شده است که برنامه‌های آموزشی در این حوزه، فاقد استانداردهای لازم از منظر محتوایی، روانی و اخلاقی باشند. دوم، ابهام در مرز میان آموزش علمی و بهره‌کشی دانشی، به‌ویژه در شرایطی که کودکان در پروژه‌های تبلیغاتی یا رقابت‌های علمی مرتبط با انرژی هسته‌ای مشارکت داده می‌شوند، می‌تواند مصداقی از نقض اصل «مصلحت کودک» تلقی شود (صبوری پور و حق‌بین، ۱۴۰۱: ۸۵). سوم، فقدان نظام نظارت تخصصی بر محتوای آموزشی هسته‌ای برای کودکان، موجب شده است که برخی برنامه‌ها بدون ارزیابی روان‌شناختی و تربیتی اجرا شوند و این امر، با اصول مندرج در کنوانسیون حقوق کودک و قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در تعارض قرار گیرد (بیگی و تیموری، ۱۳۹۹: ۹۱). از این منظر، آموزش هسته‌ای به کودکان و نوجوانان،

نیازمند بازنگری در سیاست‌گذاری‌های حقوقی، تدوین استانداردهای تربیتی-فناورانه، و ایجاد نهادهای ناظر تخصصی است تا هم حق آموزش محفوظ بماند و هم امنیت روانی و تربیتی نسل آینده تضمین شود.

۷- پیشنهاد یک الگوی بومی

در این بخش از پژوهش، با هدف ارائه یک الگوی بومی تربیت هسته‌ای مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، تلاش می‌شود سه مؤلفه‌ی بنیادین مورد واکاوی قرار گیرد. نخست، بر ضرورت تربیت شهروند فناور و متعهد در چارچوب اسلام تأکید می‌شود؛ شهروندی که ضمن برخورداری از سواد فناورانه، به ارزش‌های دینی، مسئولیت اجتماعی و اخلاق حرفه‌ای پایبند باشد و بتواند در مسیر توسعه علمی کشور، نقش آفرینی تمدن‌ساز ایفا کند. دوم، به ملاحظات اخلاقی، تربیتی و امنیتی در طراحی این الگو پرداخته خواهد شد؛ از جمله رعایت کرامت انسانی، حفظ حریم خصوصی، پرهیز از بهره‌کشی دانشی، و تضمین سلامت روانی متریبان در مواجهه با فناوری‌های پرخطر. سوم، پیشنهاد سیاست‌گذاری تربیتی بر پایه مصلحت‌گرایی اسلامی مطرح می‌شود؛ سیاستی که با تکیه بر قواعد فقهی مانند «مصلحت امت»، «نفی سبیل» و «لزوم حفظ کیان علمی»، بتواند میان اقتضانات فناوری نو و اصول تربیت اسلامی، توازن برقرار سازد. این سه محور، شالوده‌ی الگویی بومی را شکل می‌دهند که در آن، تربیت دینی، حکمرانی فناورانه و عدالت آموزشی در هم تنیده‌اند.

۷-۱- تربیت شهروند فناور و متعهد در چارچوب اسلام

در منظومه تربیتی اسلام، تربیت شهروند فناور و متعهد، نه صرفاً یک هدف آموزشی، بلکه بخشی از راهبرد تمدن‌سازی اسلامی است؛ چرا که اسلام، انسان را موجودی مسئول، خلاق و مأمور به آبادانی زمین معرفی می‌کند (اسکندری، ۱۴۰۳: ۲). از این منظر، شهروند مطلوب در جامعه اسلامی، کسی است که ضمن برخورداری از سواد فناورانه، به ارزش‌های دینی، اخلاق حرفه‌ای، و مسئولیت اجتماعی پایبند باشد و بتواند فناوری را در خدمت عدالت، رشد و کرامت انسانی به کار گیرد (محمدی و مزیدی، ۱۳۹۶: ۴۵). تربیت چنین شهروندی، مستلزم بازتعریف برنامه‌های درسی، تقویت تفکر انتقادی، و نهادینه‌سازی فضیلت‌هایی چون امانت‌داری، اعتدال، و مشارکت‌پذیری در بستر آموزش فناورانه است (آقازاده، ۱۴۰۲: ۷۱). افزون بر این، تربیت شهروند فناور در چارچوب اسلام، باید با ملاحظات چون حفظ حریم خصوصی، پرهیز از سلطه‌پذیری فناورانه، و تقویت حکمرانی دانیایی‌محور همراه باشد؛ امری که تنها در سایه پیوند میان نهادهای دینی، آموزشی و فناورانه قابل تحقق است. از این منظر، تربیت شهروند فناور و متعهد، پلی است میان ایمان و علم، میان اخلاق و فناوری، و میان فرد و امت.

۷-۲- ملاحظات اخلاقی، تربیتی و امنیتی

در طراحی هرگونه الگوی تربیتی مبتنی بر فناوری‌های راهبردی، به‌ویژه در حوزه حساس انرژی هسته‌ای، توجه به ملاحظات اخلاقی، تربیتی و امنیتی ضرورتی بنیادین است که غفلت از آن می‌تواند پیامدهایی جبران‌ناپذیر در پی داشته باشد. از منظر اخلاقی، اصل کرامت انسانی، حفظ حریم خصوصی، پرهیز از بهره‌کشی دانشی و رعایت عدالت آموزشی، از جمله اصولی‌اند که باید در آموزش مفاهیم فناورانه به کودکان و نوجوانان رعایت شوند (قدرتی، ۱۳۹۶: ۵). در بُعد تربیتی، آموزش فناوری‌های پرخطر باید با در نظر گرفتن ظرفیت‌های شناختی، روانی و ارزشی متریبان صورت گیرد و از القای هیجان‌های کاذب، رقابت‌های ناسالم یا فشارهای شناختی پرهیز شود؛ چرا که تربیت اسلامی بر اعتدال، تدریج و تناسب تأکید دارد (حسینی، ۱۳۹۸: ۲۷). در بُعد امنیتی نیز، آموزش فناوری‌های راهبردی به نسل نوجوان، بدون ملاحظات حفاظتی، طبقه‌بندی محتوایی و نظارت نهادی، می‌تواند زمینه‌ساز نشت اطلاعات، سوءاستفاده تبلیغاتی یا تهدیدهای روانی شود؛ از این رو، طراحی محتوای آموزشی باید با همکاری نهادهای امنیتی، تربیتی و دینی صورت گیرد تا هم حق آموزش محفوظ بماند و هم امنیت ملی و روانی نسل آینده تضمین شود (قدرتی، ۱۳۹۶: ۹). از این منظر، ملاحظات اخلاقی، تربیتی و امنیتی، سه ضلع مثلثی‌اند که هر الگوی بومی تربیت فناورانه باید بر آن‌ها استوار باشد.

۷-۳- پیشنهاد سیاست‌گذاری تربیتی بر پایه مصلحت‌گرایی اسلامی

در چارچوب نظام تربیتی اسلام، مصلحت‌گرایی نه به معنای نسبی‌گرایی یا مصلحت‌اندیشی منفعت‌محور، بلکه به معنای تشخیص و تأمین مصالح عالی‌ه امت اسلامی در پرتو عقل، شرع و واقعیت‌های اجتماعی است؛ از این رو، سیاست‌گذاری تربیتی بر پایه مصلحت‌گرایی اسلامی، تلاشی است برای ایجاد توازن میان اصول ثابت شریعت و اقتضائات متغیر زمانه (عصاره‌نژاد و فرخی، ۱۳۹۹: ۱۰). در این رویکرد، سیاست‌گذار تربیتی موظف است با بهره‌گیری از قواعد فقهی مانند «قاعده مصلحت»، «نفی سبیل»، «لزوم حفظ نظام» و «قاعده اهم و مهم»، الگوهایی طراحی کند که هم با ارزش‌های اسلامی هم‌راستا باشند و هم پاسخ‌گوی نیازهای فناورانه، فرهنگی و تمدنی نسل جدید باشند (معافی، ۱۳۹۰: ۳۸). افزون بر این، مصلحت‌گرایی اسلامی در سیاست‌گذاری تربیتی، مستلزم مخاطب‌شناسی، محیط‌شناسی و آینده‌نگری است؛ به گونه‌ای که سیاست‌ها نه تنها در سطح کلان، بلکه در سطح مدرسه، خانواده و رسانه نیز قابلیت اجرا و انطباق داشته باشند. از این منظر، سیاست‌گذاری تربیتی بر پایه مصلحت‌گرایی اسلامی، الگویی منعطف، عقلانی و تمدن‌ساز ارائه می‌دهد که می‌تواند در مواجهه با فناوری‌های نو، از جمله انرژی هسته‌ای، راهگشای تربیت اخلاق‌محور و مسئولانه باشد.

۸- نتیجه‌گیری

در پرتو تحولات شتاب‌زده فناوری و ظهور فناوری‌های راهبردی همچون انرژی هسته‌ای، نظام تربیت اسلامی با فرصت‌ها و چالش‌هایی نوین مواجه شده است که بازخوانی ظرفیت‌های فقهی، حقوقی و تربیتی آن را ضروری می‌سازد. از یک سو، ظرفیت‌های تربیتی اسلام در پرورش انسان مسئول، خلاق و تمدن‌ساز، بستری غنی برای مواجهه اخلاق‌محور با فناوری‌های نو فراهم می‌آورد؛ به‌ویژه آن‌گاه که این تربیت بر اصولی چون عقلانیت، عدالت، کرامت انسانی و مجاهدت علمی استوار باشد. از سوی دیگر، فقه امامیه با تکیه بر قواعدی چون اصالة الإباحة، نفی سبیل، لاضرر و سیره عقلاء، توانایی مشروع‌سازی فناوری‌های نو را در چارچوب شریعت داراست و می‌تواند با بهره‌گیری از عنصر زمان و مکان، پاسخ‌گوی نیازهای متغیر عصر فناوری باشد. همچنین، اسناد ملی تربیتی و حقوقی همچون سند تحول بنیادین، نقشه جامع علمی کشور و قانون اساسی، چارچوب‌هایی برای تحقق عدالت آموزشی، تربیت فناورانه و استقلال علمی فراهم کرده‌اند که در صورت اجرا، می‌توانند به تربیت شهروندی فناور، متعهد و تمدن‌ساز منجر شوند. با این حال، این مسیر با هشدارها و چالش‌هایی جدی نیز همراه است. نخست، فقر سواد فناورانه در آموزش دینی موجب شده است که نهادهای تربیتی در مواجهه با نسل دیجیتال، دچار گسست ارتباطی و مفهومی شوند و زبان تربیت دینی برای نوجوانان ناکارآمد جلوه کند. دوم، تضادهای احتمالی میان تربیت دینی و فناوری‌های پرخطر، به‌ویژه در حوزه‌هایی چون هوش مصنوعی، واقعیت مجازی و انرژی هسته‌ای، نگرانی‌هایی درباره تضعیف مرجعیت اخلاقی، بحران هویت و نسبی‌گرایی ارزشی ایجاد کرده است. سوم، چالش‌های حقوقی در آموزش هسته‌ای به کودکان و نوجوانان، از جمله نبود چارچوب‌های قانونی مشخص، فقدان نظارت تخصصی و خطر بهره‌کشی دانشی، می‌تواند حقوق کودک و امنیت روانی متریبان را تهدید کند. این هشدارها نشان می‌دهند که بدون بازنگری در سیاست‌گذاری‌ها، حتی ظرفیت‌های غنی تربیت اسلامی نیز ممکن است در مواجهه با فناوری‌های نو، ناکارآمد یا حتی آسیب‌زا شوند. در پاسخ به این چالش‌ها، پژوهش حاضر پیشنهادهایی برای طراحی یک الگوی بومی تربیت هسته‌ای اسلامی ارائه می‌دهد. نخست، بر ضرورت تربیت شهروندی فناور و متعهد در چارچوب اسلام تأکید می‌شود؛ شهروندی که ضمن برخورداری از سواد فناورانه، به ارزش‌های دینی، اخلاق حرفه‌ای و مسئولیت اجتماعی پایبند باشد. دوم، طراحی این الگو باید با ملاحظات اخلاقی، تربیتی و امنیتی همراه باشد؛ از جمله رعایت کرامت انسانی، تناسب محتوای آموزشی با سن و ظرفیت متریبان، و نظارت نهادی بر آموزش‌های فناورانه. سوم، سیاست‌گذاری تربیتی باید بر پایه مصلحت‌گرایی اسلامی صورت گیرد؛ یعنی با بهره‌گیری از قواعد فقهی و اصول عقلانی، میان اقتضائات فناوری نو و اصول شریعت توازن برقرار شود. در نهایت، تحقق این الگو مستلزم هم‌افزایی میان نهادهای دینی، آموزشی، حقوقی و فناورانه است تا تربیت اسلامی بتواند در عصر فناوری‌های راهبردی، نه تنها بقا یابد، بلکه به‌عنوان نیروی تمدن‌ساز، آینده علمی و اخلاقی جامعه را رقم بزند.

۹- پیشنهادها

با توجه به ظرفیت‌های تحلیل‌شده و چالش‌های برشمرده، به نظر می‌رسد که تحقق تربیت اسلامی در بستر فناوری‌های نو، به‌ویژه در حوزه‌ی راهبردی انرژی هسته‌ای، نیازمند طراحی سازوکارهایی اجرایی، بومی و نظام‌مند است که بتوانند پیوند میان مبانی نظری و واقعیت‌های میدانی را برقرار سازند. بر همین اساس، در ادامه مجموعه‌ای از پیشنهادهای کاربردی و سیاستی ارائه می‌شود که با هدف ارتقای اثربخشی تربیت اسلامی در مواجهه با تحولات فناورانه، قابل بهره‌برداری در سطوح مدیریتی، آموزشی و نهادی خواهند بود.

✓ بازنگری در برنامه‌های درسی علوم و فناوری با هدف تلفیق مفاهیم اخلاقی، فقهی و تمدنی در آموزش فناوری‌های نو، به‌ویژه انرژی هسته‌ای.

✓ تربیت معلمان فناور آگاه و متعهد از طریق دوره‌های ضمن خدمت با محوریت سواد فناورانه، اخلاق حرفه‌ای و تربیت اسلامی.

✓ ایجاد مدارس و هنرستان‌های تخصصی هسته‌ای با رویکرد اسلامی که در آن‌ها آموزش علمی با تربیت دینی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی تلفیق شود.

✓ تولید محتوای آموزشی بومی و چندرسانه‌ای برای آموزش مفاهیم هسته‌ای به کودکان و نوجوانان، با رعایت ملاحظات روانی و تربیتی.

✓ تدوین فقه‌نامه تربیت فناورانه با مشارکت حوزه‌های علمیه، برای تبیین احکام و اصول شرعی آموزش فناوری‌های نو به نسل نوجوان.

✓ تولید روایت‌های دینی و داستان‌های کودکانه درباره دانشمندان مسلمان، اخلاق فناوری و مسئولیت‌پذیری علمی.

✓ برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی در حوزه‌های علمیه درباره نسبت فقه، تربیت و فناوری‌های پرخطر، برای ارتقای اجتهاد تمدنی.

✓ تدوین آیین‌نامه آموزش فناوری‌های راهبردی به کودکان و نوجوانان با مشارکت وزارت آموزش و پرورش، سازمان انرژی اتمی و شورای عالی انقلاب فرهنگی.

✓ ایجاد نهاد ناظر بر محتوای آموزشی هسته‌ای برای کودکان با حضور متخصصان تربیتی، روان‌شناسی، امنیتی و فقهی.

✓ توسعه عدالت فناورانه در مناطق محروم از طریق تأسیس مدارس فناورانه، اعطای بورسیه‌های آموزشی و تجهیز زیرساخت‌های علمی.

✓ تبدیل نظریه‌های اسلامی به فناوری‌های نرم تربیتی در قالب پلتفرم‌های آموزشی، بازی‌های رایانه‌ای و انیمیشن‌های مفهومی.

منابع

۱. ادیب، فریبا؛ علوی زاده، هاله؛ حسن پور، محمدرضا (۱۳۹۵)، «ارزیابی میزان توجه به سواد فناورانه در آموزش و پرورش عمومی ایران»، فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران، دوره ۱۰، شماره ۴
۲. اسدی نژاد، سیدمحمد و همکاران (۱۳۹۴)، «حق آموزش و تربیت کودک در قوانین ایران و اسناد حقوق بشر»، فصلنامه فقه و حقوق خانواده، شماره ۶۲
۳. اسکندری، وحیده (۱۴۰۳)، «بررسی نقش دین اسلام بر تربیت شهروندی»، فصلنامه آموزش و محیط زیست، دوره ۳، شماره ۶
۴. اعرافی، علیرضا (۱۳۹۳)، «آشنایی با فقه تربیت»، فصلنامه پژوهش‌های فقهی تا اجتهاد، شماره ۱۱
۵. اعرافی، علیرضا (۱۳۹۵)، «فقه تمدنی و الزامات آن در حوزه علم و فناوری»، فصلنامه فقه و زندگی، دوره ۴، شماره ۲
۶. آقازاده، علی (۱۴۰۲)، «دلالت‌های تربیتی از مبانی اسلام در باب تربیت شهروندی»، چهارمین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی، آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران، تهران
۷. بابایی، جواد (۱۳۹۹)، «استفاده از فناوری‌های نوین در گسترش عدالت و امنیت قضایی»، تهران: انتشارات دادستانی کل کشور
۸. باقری، خسرو (۱۴۰۲)، «نگاهی دوباره به تربیت اسلامی»، تهران: سمت
۹. بیگی، جمال و تیموری، مهرداد (۱۳۹۹)، «آموزش کودکان و نوجوانان محروم از آزادی و چالش‌های فراروی آن در حقوق ایران»، فصلنامه پژوهش‌های نوین حقوق کیفری، دوره ۳، شماره ۲
۱۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۴۰۱)، «شریعت در آینه معرفت»، قم: اسراء، ص ۹۳
۱۱. حسینی، سیدمهدی (۱۳۹۸)، «بررسی اصول تربیت اخلاقی در علم اخلاق اسلامی»، فصلنامه معرفت، ویژه اخلاق، شماره ۲۵۶
۱۲. داد، پروانه؛ غفاری مهر، یاسر؛ ندی، سمیه (۱۴۰۳)، «تحلیل شاخصه‌های تحقق عدالت آموزشی از دیدگاه رهبری انقلاب اسلامی»، فصلنامه تعلیم و تربیت اسلامی، دوره ۱۴، شماره ۱
۱۳. رجبی، علی (۱۴۰۴)، «پژوهشکده مطالعات راهبردی فناوری انرژی»، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی انرژی وزارت نفت
۱۴. رجبی، علی (۱۴۰۴)، «نقش فناوری‌های راهبردی در رشد پایدار و استقلال ملی»، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی انرژی وزارت نفت
۱۵. رسولی برقی، یدالله و مستانه، یدالله (۱۳۹۷)، «تأثیر فضای مجازی بر تربیت اسلامی دانش‌آموزان: آسیب‌ها و راهکارها»، فصلنامه ره‌آورد نور، شماره ۶۳
۱۶. سراجی، فرهاد و خاوری، سمیه (۱۴۰۲)، «سواد فناورانه دانش‌آموزان و دبیران: تحلیلی بر تفاوت دو نسل»، فصلنامه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای در تعلیم و تربیت اسلامی، دوره ۴، شماره ۱
۱۷. شفیعی، سیدرضا (۱۴۰۴)، «تحول رویکردهای تربیتی اسلامی در پرتو فناوری‌های نوین آموزشی»، ارائه شده در بیست و چهارمین همایش ملی علمی پژوهشی روان‌شناسی و علوم تربیتی، شیروان
۱۸. شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۴۰۰)، «نقشه جامع علمی کشور»، مصوب جلسه ۷۳۵
۱۹. صبوری پور، مهدی و حق‌بین، فائزه (۱۴۰۱)، «نوآوری‌ها و چالش‌های قانون حمایت از اطفال و نوجوانان»، فصلنامه پژوهش‌های حقوقی، دوره ۲۲، شماره ۵۳

۲۰. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۰۰)، «شیعه در اسلام»، قم: بوستان کتاب، ص ۳
۲۱. طباطبایی، سیدمحمدصادق (۱۴۰۳)، «تحلیل انتقادی محتوای متون درسی حوزه‌های علمیه از منظر تربیت فناورانه»، فصلنامه مطالعات حوزه و فناوری، دوره ۲، شماره ۲
۲۲. طباطبایی، سیدمحمدصادق؛ امینی، محمد (۱۴۰۴)، «بویایی فقه امامیه در امکان‌پذیری شخصیت حقوقی برای هوش مصنوعی»، فصلنامه حقوق پیشرفته اسلامی، مقاله آماده انتشار
۲۳. عصاره‌نژاد دفولی، سینا و فرخی، میثم (۱۳۹۹)، «دلالت‌های بنیادین سیاست‌گذاری تربیتی اسلامی، برگرفته از قول و سیره رضوی»، فصلنامه فرهنگ رضوی، دوره ۸، شماره ۲۹
۲۴. قانع، احمدعلی و تقی‌پور، محمد (۱۴۰۱)، «ظرفیت‌های فقه امامیه در پذیرش نهادهای جدید حقوق خصوصی»، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای تمدنی انقلاب اسلامی، دوره ۱، شماره ۲
۲۵. قدرتی، محمد (۱۳۹۶)، «تبیین ملاحظات اخلاقی در تعلیم و تربیت کشور بر مبنای اخلاق اسلامی»، همایش ملی رویکردهای نوین آموزشی و پژوهشی در تعلیم و تربیت، بندرعباس
۲۶. قربانی، سمانه (۱۴۰۳)، «طراحی الگوی یادگیری مبتنی بر تربیت فناورانه و تأثیر آن بر سواد رسانه‌ای دانشجومعلمان»، رساله دکتری، دانشگاه فرهنگیان تهران
۲۷. کاشی‌کیمیجانی، میلاد؛ رجائی، مهدی (۱۴۰۳)، «مطالعه تطبیقی حق بر آموزش کودکان از منظر کنوانسیون حقوق کودک و حقوق اساسی ایران»، فصلنامه حقوق عمومی دانشگاه قم، دوره ۲، شماره ۲
۲۸. کاظمی، سیدسجاد و کاکاوند، محمد (۱۴۰۲)، «مشروعیت‌سنجی ادله حاصل از فناوری‌های نوین از منظر فقه امامیه و حقوق کیفری»، فصلنامه فقه جزای تطبیقی، دوره ۳، شماره ۱
۲۹. کلانتری، محمدرضا (۱۴۰۳)، «نقش تربیت اسلامی در خودباوری علمی و استقلال فناورانه»، فصلنامه تمدن‌پژوهی اسلامی، دوره ۷، شماره ۱
۳۰. لطیفی، علی (۱۴۰۲)، «درآمدی بر چالش‌های تربیت اسلامی در دنیای معاصر»، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
۳۱. محمدی، حسین و مزیدی، محمد (۱۳۹۶)، «تحلیل مفهومی مراحل و ابعاد تربیت شهروندی از منظر اسلام»، فصلنامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، دوره ۸، شماره ۴ (پیاپی ۳۲)
۳۲. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۴۰۰)، «سند ملی حقوق کودک و نوجوان»، مصوب جلسه ۸۰۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی، تهران: مرکز پژوهش‌ها
۳۳. مهری، محمدجواد (۱۴۰۱)، «فقه اطلاعات و امنیت: جایگاه اطلاعات در امنیت‌بخشی و سلامت نظام اسلامی از دیدگاه مذاهب اسلامی»، قم: انتشارات مکتب اندیشه
۳۴. موسوی‌فرد، سیدمحمدرضا؛ ابوالخیریان، محمدمین؛ عمیدی‌مهر، امیر؛ مرادپور، سیروس (۱۴۰۴)، «ضرورت‌های سیاست‌گذاری حقوقی در آستانه تحولات انقلاب چهارم صنعتی و هوش مصنوعی»، فصلنامه سیاست‌گذاری حقوقی نوین، دوره ۵، شماره ۲
۳۵. نباتیان، محمداسماعیل (۱۳۹۲)، «فقه و امنیت: بررسی مبانی فقهی امنیت در نظام اسلامی»، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه معارف اسلامی قم، ص ۷۲

۳۶. نجفی، زین‌العابدین و بخشی، رضا (۱۴۰۲)، «قاعده نفی سبیل و تأثیر آن بر راهبردهای دفاعی امنیتی جمهوری اسلامی ایران»، قم: انتشارات مصباح اندیشه، ص ۴۲
۳۷. نورانی، نرگس؛ زمانی، محمد و رحمانی، محسن (۱۴۰۳)، «طراحی الگوی سواد رسانه‌ای در نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای رسانه و تعلیم و تربیت، دوره ۵، شماره ۲
۳۸. نوری چراغ‌تپه، مرتضی؛ قلی‌پور، محمد؛ رهنما، اکبر (۱۳۹۳)، «بررسی فرصت‌ها و چالش‌های کاربرد فناوری بر تربیت دینی»، اولین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران، تهران
۳۹. همتی، حیدر (۱۴۰۳)، «بررسی عدالت تربیتی در اسناد بالادستی آموزش و پرورش»، فصلنامه پژوهش در آموزش معارف و تربیت اسلامی، دوره ۵، شماره ۲

